

عهد و گفتگو



تفسیر پراشای هفته
توسط ربای ساکس

تفسیر پراشای هفته: וַיַּחַל 5779

زیبایی تقدس یا تقدسی زیبایی

ربای لرد جانانان ساکس

The Beauty of Holiness or the Holiness of Beauty

(Vayakhel 5779)

در پراشاهای کی تِسا و וַיַּחַל با شخصیت بتزالل روبه رو می شویم، تیبی کمیاب در تورات: یک هنرمند، صنعتگر، زیبایی پرداز در خدمت خدا، و مردی که همراه او هولیاب قطعات مربوط به محراب را ساخت. یهودیت، در تقابل تندی با یونان باستان، به هنرهای دیداری ارج نمی نهاد. دلیل آن آشکار است: ممنوعیت تورات علیه نقش های کنده کاری شده مربوط به بت پرستی. به طور تاریخی، تصاویر، اشیاء مقدس، شمایل ها و مجسمه ها در دنیای باستان با آیین های بت پرستی در ارتباط بودند. این ایده که می توان "کار دست انسان ها" را پرستش کرد، در تضاد کامل با ایمان تورات بود.

به طور کلی، یهودیت بیشتر فرهنگ شنیداری است و نه دیداری.¹ یهودیت همچون دین خدای نادیدنی، تقدس را به کلمات شنیدنی می دهد و نه به اشیاء دیدنی. از این رو در کل، برخورد منفی با هنرهای زیبا دارد.

چند متن منقوش مشهور وجود دارند (مانند هگادای سر پرندگان، باواریا، در حدود ۱۳۰۰ م.) که در آن تصاویر انسان ها با سر پرندگان نقاشی شده اند تا از شمایل کامل انسان خودداری شود. به این ترتیب، هنر ممنوع نیست. اما فرق هست میان بازنمایی دو بعدی و سه بعدی. چنان که ربی مئیر روزنبرگ (۱۲۹۳-۱۲۱۵) در جوابیه ای روشن ساخته: نقاشی در کتاب، سرپیچی از دستور منع تمثال در تورات نیستند، زیرا فقط لکه های رنگ تخت و فاقد جسمیت [نقش کنده کاری شده] به شمار می روند.²

درواقع، چندین کنیسا در اسرائیل دارای کاشیگری های منقوش بودند. اما عموماً در یهودیت، به نسبت فرهنگ های مسیحی که در آن ها تاثیر یونانیان قوی بود، روی هنر، کمتر تاکید می - شد. اشاره مثبت به هنر در ادبیات تلمودی کمیاب است. یک استثناء موسی بن مایمون است که چنین می گوید:

اگر کسی دچار مالیخولیا بشود، باید آنرا از راه گوش دادن به آوازه ها و انواع ملودی ها، گردش در باغ ها و میان ساختمان های زیبا، نشستن در برابر نقش های زیبا، و اموری از این قبیل که به روح لذت بخشیده، آسیب مالیخولیا را از آن دور می کنند، درمان نماید. او با همه این کارها باید جسم خود را سالم سازد تا با تندرستی به دنبال کسب شناخت برود.³

¹ For a more nuanced view, however, see Kalman Bland, *The Artless Jew: Medieval and Modern Affirmations and Denials of the Visual* (Princeton University Press, 2001).

² See Tosafot, commentary to Yoma 54a-b, s.v. Keruvim; Responsa Rabbi Meir Mi'Rothenberg (Venice: 1515), 14-16.

³ Rambam, introduction to commentary on Mishna Avot, Eight Chapters on Ethics, chap. 5. 298.

واژه هایی که موسی بن مایمون به کمک آنها تجربه زیبایی شناختی را توصیف می کند، روشن هستند، اما نشان می دهند که او هنر را فقط از جنبه ابزاری و همچون راهی برای درمان افسردگی می بیند. هیچ اشاره ای به ارزش فی النفسه هنر نمی شود.

قوی ترین استناد مثبت به هنر تا آنجا که من خبر دارم از ربی اوراهام هکوهن کوک، نخستین ربای اعظم اشکنازی در اسرائیل پیش از استقلال است که ضمن توصیف اقامت خود در لندن در طول جنگ جهانی اول چنین می نویسد:

هنگام اقامت در لندن، به بازدید از گالری ملی پرداختم. نقاشی هایی که بیشتر دوست داشتم، کارهای رامبراند بود. به نظر من، رامبراند، یک قدیس بود. هنگامی که اولین بار نقاشی های رامبراند را دیدم، مرا به یاد جمله حکیمان تلمودی درباره آفرینش نور انداختند. وقتی خداوند نور را خلق کرد [در روز نخست]، آن قدر قوی و درخشان بود که از این سر دنیا تا آن سر دنیا دیده می شد. و خدا گفت مبادا که شیران از آن سوء استفاده کنند. پس چه کرد؟ او آن نور را مخصوص صدیقان در دنیای در راه پنهان ساخت. اما در برخی زمان ها انسان های بزرگی هستند که خداوند به آنها برکت بصیرتی را می دهد که آن نور پنهان را ببینند. من بر این باور هستم که رامبراند یکی از آن ها بود و نور نقاشی هایش، آن نوری است که خداوند در روز نخست پیدایش خلق کرد.⁴

رامبراند معروف است به محبت نسبت به یهودیان.⁵ او یهودیان را در شهر زادگاهش آمستردام ملاقات کرد و تصاویر آنها و بسیاری از صحنه های کتاب مقدس یهودیان را ترسیم نمود. اما به گمان من، آنچه ربی کوک در نقاشی های او دید، توانایی رامبراند در دیدن زیبایی مردمان معمولی بود. او هیچ تلاشی ندارد (به ویژه در چهره نگاری های خود) که موضوع نقاشی های

⁴ Jewish Chronicle, September 9, 1935

⁵ See Michael Zell, *Reframing Rembrandt: Jews and the Christian Image in Seventeenth-Century Amsterdam* (University of California Press, 2002), and Steven Nadler, *Rembrandt's Jews* (University of Chicago Press, 2003).

خود را زیبا نگاری یا ایده ال سازی کند. نوری که در آنها درخشش می کند، خیلی ساده، انسانیت مردمان معمولی است.

ساموئل رافایل هیرش بود که یونان باستان را از نظر زیبایی شناسی و اخلاق از اسرائیل باستان متمایز ساخت. او در تفسیر خود از آیه "خداوند عمر یافت را طولانی سازد و او را در خیمه شِم ساکن سازد" (پیدایش ۲۷:۹)، چنین می نویسد:

ذریت یافت در میان یونانیان به اوج باروری خود رسید و ذریت شِم در میان عبریان که نام (شِم) خدا را به میان ملل دنیا برد و می برد... یافت، دنیا را از زیبایی شناسی بهره مند ساخت. شِم دنیا را از نظر معنویت و اخلاق غنی ساخت.⁶

اما چنان چه در مورد بتزالل می بینیم، یهودیت نسبت به زیبایی شناسی بیتفاوت نیست. مفهوم هیدور میتصوا یا "زیباسازی فریضه ها" نزد حکیمان به این معنا بود که باید فریضه ها را به زیباترین و لذتبخش ترین شکل ممکن انجام داد. جامه های کوهن های معبد می بایست کارکرد "احترام و زینت بخشی" داشته باشند (خروج ۲:۲۸). واژه هایی که به حکمت، فهم و شناخت بتزالل نسبت داده می شود، در کتاب امثال سلیمان در مورد خدا همچون آفریننده جهان به کار می روند:

قانون خداوند زمین را با حکمت خلق کرد؛

او افلاک را با فهم آفرید؛

با شناخت او اعماق شکافتند؛

و آسمان ها شبنم باریدند. (امثال سلیمان ۲۰-۱۹:۳)

کلید فهم بتزالل در نام او نهفته است. این نام یعنی "در سایه خدا". نبوغ بتزالل در این توانایی است که از راه کار خود، نشان دهد هنر سایه ای است که خدا می افکند. هنر دینی هرگز "هنر

⁶ The Pentateuch, translated with commentary by Samson Raphael Hirsch (Gates- head: Judaica Press, 1982), 1:191.

برای خود هنر " نیست.⁷ برخلاف هنر غیردینی، هنر دینی به امری فراسوی خود اشاره دارد. محراب، خود، ریز جهانی از کائنات بود با یک خصلت برجسته: در آن حضور چیزی فراسو را حس می کردی - همان که تورات، "جلال خداوند" می نامد و "درون صندوق عهد را فراگرفته بود" (خروج ۳۵:۴۰). یونانیان و بسیاری در دنیای غرب که میراث آنها را دنبال کردند، به تقدس زیبایی باور داشتند (کیتز سروده بود: "زیبایی حقیقت است و حقیقت، زیبایی، همین و بس / این را در زمین دانسته باشی، همه چیز را دانسته ای")⁸

یهودیان برعکس معتقد بودند به هدرت کودش یعنی زیبایی تقدس: "برای خداوند، جلال تناسب نامش قائل بشو؛ خداوند را در زیبایی تقدس پرستش کن" (مزامیر ۲:۲۹). در یهودیت، هنر همواره دارای هدفی معنوی است: این که به ما نشان دهد جهان یک اثر هنری است، گواه بر وجود هنرمند برتر، یعنی خداوند.

شبات شالوم

Jonathan Sacks

The Office of Rabbi Sacks

برای دیگر آثار رای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - www.rabbisacks.org
کلیه حقوق محفوظ است • دفتر رای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian

⁷ این جمله معمولاً نسبت داده می شود به بنژامن کنستان (۱۸۰۴).
⁸ آخرین سطر شعر معروف بیتس به نام "Ode on a Grecian Urn" یا اوده در خاکستر دان یونانی.